بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیا غیر مسلمانان را کافر می‌دانیم؟

آیا می‌توان کسی که مسلمان نباشد را مؤمن شمرد و او را کافر ندانست؟

نویسنده: موقع الإسلام سؤال وجواب

ترجمه، زیادات و تعلیقات: «رد شبهات ملحدین»

آیا غیر مسلمانان را کافر می‌دانیم؟

ترجمه، زیادات و تعلیقات: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira



با امام مسجدمان درباره‌ی بعضی مطالب صحبت می‌کردم و گفتم که یهودیان و نصرانیان در آتش جهنم خواهند ماند، اما با این مسئله مخالفت ورزیده و گفت که او از من به قرآن داناتر است! همسر این امام نصرانی است و بهترین دوستش یهودی، و نیز می‌گوید: حدیث را زمانی پیروی می‌کنیم که منطقی باشد، اما زمانی‌که مخالف منطق باشد، دیگر گرفته نمی‌شود! حکم این مرد چیست؟ آیا او کافر است، یا منافق و یا مبتدع؟

پاسخ: الحمد لله،

اولاً. نمی‌دانیم که چگونه این امر را نمی‌داند در حالی‌که سوره‌ی فاتحه را می‌خواند، و چگونه نمی‌داند که {المغضوب علیهم} یهودیان، و مراد از {الضالین} نصرانیان هستند؟!

و نمی‌دانیم که چگونه از تو به قرآن داناتر است اما انگار که در آن نخوانده که خداوند می‌فرماید: {لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ} [المائدة/ ۱۷]

یعنی: «به طور مسلّم، کسانی که می‌گویند: خدا، مسیح پسر مریم است! کافرند.»

و می‌فرماید: {لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ} [المائدة/ ۷۲]

یعنی: «بی‌گمان کسانی که می‌گویند: خدا مسیح پسر مریم است، کافرند.»

و می‌فرماید: {وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ} [آل عمران: ۸۵]

یعنی: «و کسی که غیر از اسلام، آئینی برگزیند، از او پذیرفته نمی‌شود، و او در آخرت از زمره‌ی زیانکاران خواهد بود.»

آیا این امام، تا به حال این آیات را خوانده است؟ و آیا غموض و پیچیدگی در آن‌هاست که معنایش را نفهمد؟ و آیا این امام نمی‌داند که اجماع نه تنها بر کفر یهودیان و نصرانیان، بلکه بر کفر کسی که در کفر آن‌ها شک کند، قائم شده است؟!

حال فرض کنیم که این امام این‌ها را نمی‌داند و یا گمان برده که نصرانیان و یهودیانی که کافر نمی‌داند، به خدا شرک نورزیده و به این‌که مسیح پسر خداست اعتقادی ندارند؛ از دیدگاه آن‌ها نسبت به پیامبرمان محمد (صلی الله علیه وسلم) چه می‌داند؟ آیا یهود و نصاری به ایشان ایمان داشته و تصدیق کرده و از شریعتی که آورده‌اند، پیروی می‌کنند؟[۱] یا آن‌که به نبوت ایشان کافر بوده و ایشان را در رسالت‌شان تکذیب کرده و دروغگو می‌شمارند؟!

---

۱. کافیست که بپرسیم: حکم کسی که مسیح (علیه السلام) را در نبوت‌شان تکذیب کرده و دروغگو بداند چیست؟ سپس معلوم خواهد شد که آن تساهل را در این پرسش جاری نکرده و بغض پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) را در دل دارد! (مترجم)

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلاً * أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقّاً وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَاباً مُهِيناً﴾ [النساء /۱۵۰-۱۵۱]

یعنی: «کسانی که به خدا و پیغمبرانش ایمان ندارند و می‌خواهند میان خدا و پیغمبرانش جدائی بیندازند و می‌گویند که به برخی از پیغمبران ایمان داریم و به برخی دیگر ایمان نداریم، و می‌خواهند میان آن (کفر و ایمان) راهی برگزینند، بی‌گمان آنان همگی کافرند، و ما برای کافران عذاب خوارکننده‌ای فراهم آورده‌ایم.»

همچنین در صحیح مسلم (۱۵۳) از طریق أبی هریره (رضی الله عنه)، از رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) آمده است: «قسم به آن‌که جانم در دست اوست، کسی از این امت[۲]، یهودی و یا نصرانی باشد، دعوت مرا بشنود ولی بی‌آن‌که به آنچه بدان فرستاده شده‌ام ایمان آورده باشد بمیرد، وارد آتش خواهد شد.»[۳]

امام نووی (رحمه الله) می‌گوید: «این حدیث دلالت بر نسخ تمامی ملل به رسالت پیامبرمان (صلی الله علیه وسلم) دارد، و (لا يسمع بي أحد من هذه الأمة) یعنی: کسانی که در زمان و بعد از من تا روز قیامت می‌آیند، بر تمامی آن‌ها واجب است که در اطاعت از من داخل شوند. ذکر یهودی و نصرانی برای تنبیه بر غیر از آن دو آمده، زیرا یهودیان و نصرانیان کتاب دارند و وقتی ایمان‌آوردن بر آن‌ها هم با وجود این‌که کتاب دارند واجب باشد، کسانی که کتابی هم ندارند بر سبیل اولویت باید ایمان بیاورند، والله أعلم.»[٤]

بنابراین چنین چیزی بر انسان موحد پوشیده نمی‌ماند، مگر آن‌که توحید و شرک را مساوی بداند و اگر یهود و نصاری را کافر نمی‌داند، بر مسلمانان چه حکمی می‌دهد؟ معلوم است که مسلمانان نزد یهود و نصاری کافر و همیشه در عذاب خواهند بود![۵] پس آیا دیدگاه آنان را پذیرفته و اعتقادشان را قبول می‌کند؟!

---

۲. امت به دو معنا در نصوص دینی می‌آید؛ یا مراد از آن امت اجابت است که مؤمنین را در بر می‌گیرد، و یا مراد امت دعوت است که غیر آنان را شامل می‌شود. (مترجم)

۳. صحیح مسلم، دار إحیاء التراث العربي، ج ۱، ص ۱۳٤: «والذي نفس محمد بيده، لا يسمع بي أحد من هذه الأمة يهودي، ولا نصراني، ثم يموت ولم يؤمن بالذي أرسلت به، إلا كان من أصحاب النار.»

٤. شرح النووي علی مسلم، دار إحیاء التراث العربي، ج ۲، ص ۱۸۸

۵. جمعی از اهل علم تصریح کرده‌اند که اگر کسی حکم به گمراهی تمام امت دهد نیز کافر شده است (رک: الإقناع في فقه الإمام أحمد، ج ٤، ص ۲۹۸) و آشکار است که نصرانیان به مانند فریب‌خوردگانی که دین خود را برای غیر خود رها کرده‌اند نبوده و معتقدین آن‌ها که بر مسیحی‌بودن خود یقین دارند، پلورالیسم را تماماً رد می‌کنند و غیر خود را نیز مؤمن نمی‌شمارند! اما جمعی از نصرانیان در عصر حاضر این معانی را انکار کرده و سعی دارند جلوه‌ی زیبایی برای غیرمؤمنین به مسیحیت بسازند تا به پندار خود آنان را جذب کنند، اما با نصوص کتاب خود مخالفت می‌کنند و گویی ندیده‌اند که در یوحنا (۳/۳٦) آمده است: «آنکه به پسر ایمان آورده باشد،

شکی نیست که مؤمن‌شمردن یهود و نصاری، به اجماع مسلمانان کفر و ارتداد است و اگر کسی مکلف بوده و بداند که حکم اسلام در یهود و نصاری چیست و با این حال چنین چیزی بگوید، از ملت اسلام خارج شده است.

۱. امام ابن حزم (رحمه الله) می‌فرماید: «اهل اسلام بر کافر نامیدن یهودیان و نصرانیان اتفاق نظر دارند.»[٦]

۲. قاضی عیاض (رحمه الله) می‌فرماید: «هرکس به دینی غیر از دین اسلام تدین کند را کافر می‌دانیم، و نیز کسی که در کفر آن‌ها توقف یا شک کند، و یا مذهب آنان را صحیح بداند، اگرچه ظاهراً مسلمان باشد و هر مذهبی غیر از اسلام را باطل بداند.»[۷]

۳. شیخ الاسلام (رحمه الله) می‌فرماید: «یهودیان و نصرانیان کافر بوده و کفرشان به ضرورت از دین اسلام ثابت است.»[۸]

۵. جحاوی (رحمه الله) می‌فرماید: «هرکس آن‌که متدینین به غیر اسلام مانند نصاری را کافر نداند، در کفرشان شک کرده و یا مذهب‌شان را تصحیح کند، کافر است.»[۹]

٦. علامه بکر أبو زید (رحمه الله) می‌فرماید: «بر هر مسلمانی واجب است که اعتقاد به کفر غیرمسلمانان از جمله یهود و نصاری و... داشته باشد.»[۱۰]

۷. از شیخ عبد العزیز بن باز (رحمه الله) پرسیده شد: حکم کسی که یهود و نصاری را کافر نمی‌داند چیست؟ در پاسخ فرمود: «او هم مانند آنان است؛ هرکسی که کافران را کافر نداند، مثل آن‌هاست، زیرا ایمان به الله مستلزم کافردانستن کسی است که به خدا کفر می‌ورزد.»[۱۱]

ثانیاً. اما این سخنش که «اگر حدیث مخالف منطق بود، باید رد شود» ادعایی بی‌دلیل است و شایسته‌ی اعتناء نیست، زیرا نمی‌دانیم که مرادش از منطق، منطق کیست؟! آیا مرادش منطق

حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورد حیات را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند.» و تاریخ نصرانیت را نیز نشناخته و نخوانده‌اند و نمی‌دانند که «کلیسای مسیحیت با پذیرفتن کتاب عهد عتیق و تصویب اعتقاد نامه‌ی شورای نیقیه، عیسی مسیح را خدا و پسر خدا خواند، و کسانی را که جز این می‌اندیشند ملعون شمرد.» (رک: خلاصه‌ی ادیان در تاریخ دین‌های بزرگ، دکتر محمدجواد مشکور، شرق، ص ۷)، پس این وجهی دیگر از وجوهیست که کفر نصرانیان را اثبات می‌کند، إنما یتذکر أولو الألباب. (مترجم)

٦. مراتب الإجماع، دار الکتب العلمیة، ص ۱۱۹

۷. الشفا بتعریف حقوق المصطفی، دار الفکر، ج ۲، ص ۲۸٦

۸. مجموع الفتاوی، مجمع الملك فهد، ج ۳۵، ص ۲۰۱

۹. کشف القناع، ج ٦، ص ۱۷۰

۱۰. الإبطال لنظریة الخلط بین دین الإسلام وغیره من الأدیان، دار العاصمة، ص ۹۳

۱۱. فتاوی الشیخ ابن باز، ج ۲۸، ص ٤٦

کسی است که از کافران تأثیر گرفته، یا منطق اهل بدعت، منطق چه کسی را معیار قرار می‌دهد؟[۱۲]

زمانی‌که این فرد در کفر یهود و نصاری شک دارد و از ایمان آنان دفاع می‌کند، بعد از این باید چه انتظاری از او داشت؟!

منبع: «موقع الإسلام سؤال وجواب»
ترجمه، زیادات و تعلیقات: «رد شبهات ملحدین»

۱۲. آیات و احادیثی که در این مقاله آمده، هیچ‌کدام مخالف مسلمات عقلی و منطقی نیست و اگر کسی به سبب ضعف ایمان و قوه‌ی یقین به این نصوص راضی نمی‌شود، نباید منطق را بهانه کند! البته گروهی گمان کرده‌اند که «کافر» از باب دشنام است که این صحیح نیست؛ کفر نقیض ایمان است و اگر کسی را کافر دانستیم، از آن جهت است که ایمان به ضروریاتی که اسلام قرار داده است، ندارد و یا اعتقاد به چیزی دارد که اسلام او را نقض می‌کند، مانند این‌که معتقد به وحدت ادیان و مانند این‌ها باشد. برای نمونه در کتاب خدا می‌خوانیم که باید به طاغوت کافر شد (البقرة/۲۵۶) و این نشان می‌دهد که پندار ضعفاء صحیح نیست و باید هر چیزی را در جای خود گذاشت. (مترجم)